

احد فلاح وزیرآباد*

"توسعه فرهنگی از طریق تاثیرات متقابل گسترده میان آموزش و جامعه"

مقدمه :

توسعه فرهنگی دانشی است که عمدتاً از سی سال پیش در جهان گسترش یافته است و دستاوردهای علمی فرهنگی را در خدمت وصول به اهداف تعلیم و تربیت قرار داده است. اینک با توجه به نیاز میرمی که در جامعه ما بویژه در جامعه دانشگاهی، رشته های علوم تربیتی، برنامه ریزی و اقتصاد به مباحث جدیدتر آموزش و پرورش به چشم میخورد شاهد هستیم.

در این مقاله با بهره گیری از منابع مذکور در فوق مباحث مهمتری را که در دو دهه اخیر مورد بررسی دانشمندان این رشته قرار گرفته است مورد توجه است. و توضیح مختصری درباره مفاهیم اساسی آموزش و پرورش در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، سرمایه انسانی و آموزش و پرورش، تساوی فرصتهای آموزشی، و تامین نیروی انسانی آموزش دیده به نظر خوانندگان محتسرم برسانیم.

* عضو هیات علمی دانشگاه تبریز "منتخب از رساله دکتری"

از آنجا که در پذیرش باورها تعلیم و تربیت نیز در دوره‌های از تاریخ دراز مدت حیات بشری ساده و محدود بود، و خانواده‌ها همه نیازهای تربیتی فرزندان را تامین میکرد. اما وسعت و تنوع ضرورت‌های تعلیم و تربیتی بدانجا رسید که خانواده در مقابله با آنها ناتوانی‌هایی دیده شد و لازم آمد که مسئولیت سازندگی نسل جوان را به افرادی برتر و شایسته‌تر از مردم عادی محول شود. بدین ترتیب نقش تربیتی پیشوایان مذهبی و فکری جامعه، روسای قبایل و بالاخره معلمان و مربیان شکل گرفت و به مرور زمان گسترش یافت. در این مرحله از تحول زندگی گروهی، علاقه خانواده‌ها به تربیت فرزند، وجود معلم و مربی خصوصی را در خانواده‌های مرفه و متنعم سبب گردید و نشانه تشخیص فامیلی و طبقاتی به شمار آمد. جالب آنکه در اثر همین تربیت خانگی، از میان طبقات ممتاز، افراد برجسته بر جامعه راه می‌یافتند و امتیازات فامیلی و طبقاتی خود را حفظ میکردند و این خود پیش از پیش توجه عموم را به مساله تربیت و اهمیت آن جلب میکرد. این توجه عمومی و وسعت نیازها سرانجام به پیدایش نهادهای مخصوص تربیت آگاهانه شد و از تاسیس مکتب و مدرسه استقبال بیشتری بعمل آمد. در ایسران باستان همین نحوه تربیت و تعلیم خصوصی و خانگی در میان طبقات ممتاز معمول بود. تعالیم اسلامی با تاکیدى که بر ضرورت تربیت و تعلیم داشت به کوشش‌های تربیتی پایان داد و دسترسی تدریجی همه طبقات جامعه را به امکانات تربیتی موجب گردید. در دوره بعد از اسلام تاسیس مدارس قدیم آنچه که مستفاد گردیده است، در شکستن سد طبقاتی و فراهم ساختن موجبات بهره‌مندی عموم از تربیت و تعلیم، نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا کرد، و موجبات شکوفایی استعداد‌های برجسته را در همه طبقات جامعه فراهم ساخت. رمز پیشرفتهای فکری و علمی دوره اسلامی در همین دگرگونی نهفته است.

در زندگی امروز در باره توفیق مدارس سخن بسیار است و در

ضرورت وجودی سازمانهای تربیتی و اولویت آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیتهای اجتماعی همه اندیشمندان و جامعه شناسان اتفاق نظر دارند و از توسعه و رشد سازمانهای تربیتی به عنوان شاخص و معیار معتبر رشد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی جامعه ییاد می شود. تمدن امروز وجوه متفاوت دارد و دگرگونی های تکنیک مرتباً بر وسعت نیازها می افزاید و بهره مندی انسانها را از مهارت‌ها و توانائی های جدید ایجاب می کند. در اثر همین تحوّل تدریجی چه بسا هدفهای تربیتی که روزی به عنوان مقاصد تجملی مطرح بوده‌اند اکنون یک نیاز اجتناب ناپذیر عمومی جلوه می کنند. بدین ترتیب ضرورت و اولویت آموزش و پرورش را نسبت به دیگر فعالیتهای اجتماعی توجیه می شود. جالب آن که تمدن موجود سخت مرهون تربیت آگاهانه محسوب می شود. رقابت دامنهداری که برای رسیدن و استفاده از تکنیکهای جدید و تامین شرایط بهتر زیست، بین ملل مختلف جهان وجود دارد، انگیزه تلاش و کوشش وسیعی است که برای بنیادگذاری نظام جامع نرو سود بخش تر آموزشی صورت می گیرد و خود از اهمیت این بخش از فعالیتهای اجتماعی متاثر است.

دگرگونیهای روز افزون توسعه فرهنگی و تغییرات سریع زندگی انسان نیاز به تربیت و کسب آمادگی برای تحول در ابعاد گوناگون حیات انسانی را بخوبی توجیه می کنند و تاثیرات متقابل گسترده مدارس و جامعه را اجتناب ناپذیر میگردانند. بدین جهت آموزش و پرورش در زمینه سیاست نیز اهمیت پیدا کرده خط مشی ها و سیاست های اجتماعی و فرهنگی را اجتناب ناپذیر می سازند. هدف نگارنده از این مقاله طرح مسائل موجود بر سر راه توسعه فرهنگی در مدارس و آموزش و پرورش است که این مسائل خود متاثر از تغییرات اجتماعی است که در جامعه پیدامی شود. تجزیه و تحلیل عوامل موجود روشنگر مطالب خواهد بود از این نظر مسئله تربیت و تعلیم در عین ضرورت یک فن ظریف و

تخصصی است. کوششهای پژوهشی وسیعی برای شناخت مسائل و دشواری های این رشته در سرتاسر جهان به عمل می آیند، و راهیابی به محتسوا و روش سودمند و سودبخش تر و موثرتر مدارس آموزشی و تربیتی را مهم می شمارند و جامعه امروز با برداشتی سنجیده و حساب شده به باز ده کار مدارس و تربیت و تعلیم جامعه های پیشرفته و زنده جهان نظر دارد و هر روز بر وسعت فعالیتهای آموزشی و پژوهشی از هر لحاظ افزوده تر می شود.

اهمیت و لزوم تعلیم و تربیت در جامعه :

" اگر آموزش و پرورش را به مفهوم فرایندی جهت از قوه به فعل درآمدن استعدادهای فطری و خدا دادی انسان بپذیریم که هدف آن شکوفائی شخصیت انسانی انسان در ابعاد گوناگون است ، اهمیت و نقش آن در ارتباط با خود او و جامعه ای که در آن زندگی می کند روشن می شود " ^۱ اثر محیط در سازندگی عقلی ، عاطفی و رفتاری انسانها ، خواه ناخواه مقامی دارد . اثری که اجتناب ناپذیر است ، قابل کنترل نیست . تدریجی و بادوام است و عموماً : " نافذتر از کوششهای عمدی است بنابراین آنگاه که از اهمیت و نقش آموزش و پرورش سخن میگوئیم لازم است که مساله تعلیم و تربیت را به مفهوم جامع آن شامل همه فرایندهایی که در این زمینه نقشی دارند در نظر آوریم . " امر تربیت و تعلیم تنها به کوششهای مدرسه ای محدود نخواهد شد . بدین ترتیب مسئولیت مدرسه را هم در عرضه دانش زمان و ارائه پاره ای از دانستنیهای محض نیز نمیتوان خلاصه نمود . آنچه از طریق تعلیم روزانه معلم حاصل می شود فقط بخش کوچکی از اثر و رساله مدارس تلقی خواهد گردید .

۱- فنون و مهارتهای تدریس - دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تالیف

یکی از مسئولیت های آموزش و پرورش شناسائی و نقد ارزشهای اجتماعی و فرهنگی ، مذهب و غنی ساختن آن و بالاخره انتقال به نسل آینده است . به عبارت دیگر چگونگی آموزش و پرورش و اهمیت آن در تهذیب فرهنگ یک اجتماع موثر میباشد. از سوی دیگر ارزشهای اجتماعی و فرهنگی به نوبه خود در تعیین نظام و برنامه آموزش و پرورش یک جامعه تاثیر می گذارد. رعایت سنتهای مقبول اجتماعی و توجه به اصالت ارزشهای اجتماعی و فرهنگی تنها قسمتهائی از مسئولیت آموزش و پرورش است و آنکه جنبه جهانی دارد در واقع مربوط به مسائلی است که مانند سلامت و نیاز به رفع حوائج مادی زندگی بین همه جوامع بشری ارزش مشترک دارد و ضرورت بررسی نیازمندیهای جامعه آینده بر کسی پوشیده نیست . در جهانی که سرعت رو به جلو می رود و پیشرفتهای دانش و فن ، نیاز به کوششها و استفاده از وسائل و روشهای جدید در سازمانهای علمی و صنعتی و حتی زندگی خانوادگی را ایجاد مینماید لازمه این واقعیت است که در رفع نیازمندیهای یک جامعه مترقی با استفاده از ثمره دانش و بهره تخصص و نیروی کارمهم موثری را ایفانماید. منتهی نقش و عاملیت یک فرد بعنوان یک بشرو تاثیر فایده و دانش بصورت های فعالیت های اجتماعی برای همه مردم جهان یکسان باقی بماند و از این نظر همه پیشرفتهای علمی که در هر منطقه ئی از جهان حاصل می شود متعلق به همه جوامع بشری قلمداد و در چهارچوب توسعه فرهنگی از طریق تاثیرات متقابل میان آموزش و جامعه مطرح شود.

اندیشه های اجتماعی و فرهنگی :

- تایلر در سال (۱۹۶۹) در تجزیه و تحلیل جامعه چنین استدلال می کند " به فرض اینکه سایر عوامل رایکسان در نظر آوریم، آموختن آن دسته از رفتارها ، شیوه های تفکر ، احساس و عمل که دارای ارزش اجتماعی

است و انسان رایاری می دهد تا عضو مفید و موثری از جامعه بشود اهمیت دارد. " با این خصوصیات جامعه چه نوع شایستگی‌هایی را از اعضاء خود میخواهد؟ ویژگیهای این قابلیت ها در رابطه با بهداشت و تندرستی ، خانواده ، تفریحات ، حرفه ، مذهب و امور اجتماعی چیست ؟ بنظر میرسد رابطه بین مدرسه و جامعه ، جنبه تابعی دارد و بگونه‌ای تنظیم میشود که میان مدرسه و زندگی شکافی بوجود نیاید .

بنابراین امر آموزش و پرورش حتی الامکان بگونه‌ای طراحی خواهد شدکه مراحل اولیه یادگیری تحت نظارت مدرسه صورت گیرد، در عین حال طوری باشد که یادگیری و تقویت آن در خارج از مدرسه نیز ادامه یابد. براساس تعریفی که تایلر از فرهنگ یک جامعه بدست میدهد الگوئی از پویائی فرهنگی را پدیدار میسازد. براین بنیاد، آموزش و پرورش تجلی عینی فرهنگی است که از هم درووزی انسان و محیط او ناشی میشود. دانش ، اعتقادات ، فنون ، نهادها و غیره جملگی عناصر تشکیل دهنده فرهنگ و جامعه محسوب خواهد شد. از هنگامی که نخستین نسل انسان مکتسبات خود را به فرزندانش یاد میدهد آموزش و پرورش متولد میشود. در این الگو انسان با توانائیهای جسمی و هوشی و شخصیتی خود با محیط زندگی که شامل طبیعت و اجتماع است ارتباط متقابل و همیشگی دارد و حاصل این درهم ورزی به پیدایش فرهنگ می انجامد . آموزش و پرورش و تاثیر آن به منزله یک نهاد اجتماعی در ایجاد رفاه نسبی افراد با اشاعه ایده لوژی متغیرات رفتاری و بکار بستن استعدادها اهتمام می ورزد، و این نهاد مهم زیربنای تحکیم سایر ایده لوژیها را سبب خواهد گردید که در جای خود اهداف ، اصول ، عناصر سازنده و عوامل مربوط به آن قابل بحث خواهد بود. زیرا تغییر از مهمترین ویژگیهای زندگی انسان است و آموزش و پرورش در صورتی موفق خواهد شد که ضرورت تغییر را بپذیرد و با چگونگی و عوامل یا علل

آن آشنا باشد. تاثیر و تغییرات آموزش و پرورش بمفهوم تغییرات فرهنگی و اجتماعی پیوسته مورد بحث و تحقیق عمده زیادی از متفکران است و حتی ماهیت تغییر و توجیه علت ها و عوامل و جهسات آن نظریه های متعددی را بوجود میآورد. گروهی راعقیده برآن است که تغییر و تاثیر آموزش و پرورش نتیجه نظام سیاسی اقتصادی واجتماعی است زیرا این عوامل طبیعت و غرایز ثابت انسان را بیان میکند به همین سبب ، جنگ رقابتهای اقتصادی و زندگی اجتماعی انسان از شیوه های طبیعی محسوب میشود و چون فطری هستند تغییر آنها امکان ندارد. عده ای دیگر معتقد هستند که انسان مخلوق عادت‌ها و میراث‌های اجتماعی است که تغییر آنها دشوار است از اینرو تغییر اجتماعی سریع ضرورتا اضطراب انگیز خواهند بود و برای پیشگیری از پیدایش چنین اضطرابی تا حد امکان باید از تغییرات اجتماعی جلوگیری کرد. هر کدام از این نظریه ها در آموزش و پرورش و طرح مختصر آنها اهمیت و تاثیر امر تغییر را در مدارس مشهود میسازد زیرا چنانکه قبلا ذکر شد تغییر اجتماعی بدون تغییر فردی پیشرفتی چندانی نخواهد داشت و در نتیجه تربیت سالم در محیط سالم امکان پذیر نخواهد بود. و بعضی را اعتقاد بر آن است که مدارس نمی تواند تغییر اجتماعی را در آینده نزدیک بوجود آورد و بعنوان یک مرکز فرهنگی تغییر و هماهنگی ایجاد نماید. برای اینکه در اوضاع و شرایط کنونی مربی توانائی ایجاد و تغییرات مهم و یا تغییرات انقلابی در فرهنگ ندارد. با این وجود میتوان انکار نمود که تغییر پیشرفته در تاثیر گذاشتن به آموزش و پرورش و نظریه های تربیتی در مدارس و مبتنی کردن آن بر پایه های اجتماعی و اخلاقی طبعا به تغیر منجر خواهد شد و از حالت انزوا و گوشه گیری بیرون خواهد آمد و همراه با سایر عوامل نقش خود را در ایجاد مدارس به عنوان یک مرکز فرهنگی در فعالیتهای اجتماعی بازی خواهد کرد و با کمک گرفتن از کلیه امکانات موجود در محیط ، اعم از امکانات

انسانی و مادی به صورت عامل بسیار فعال در اجتماع میتواند تغییرات فرهنگی را سبب شود و گرنه عامل عقب ماندگی جامعه خود خواهد شد. برای تأیید و تثبیت هویت فرهنگی در نظام آموزشی بویژه در کشورهای مسلمان بلحاظ تاریخ یاد آور این نکته است که نظام آموزشی به مثابه نافذترین وسیله تثبیت و تأیید یا تزلزل و تحریف گذشته و هویت فرهنگی یک ملت عمل نماید. همچنین نظام آموزشی و دانشگاهی بسسه جهت نقش و فعالیت های اجتماعی خاص خود کانون تبلور نوآوری علمی، بازگشت به منابع نیروهای درونی و تجلی هویت فرهنگی جامعه را در - عصر جدید ایفا نماید از همین جا میتوان به نوعی توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی درون زاد و خود جوش نایل آید.^۲ زیرا فرهنگ و آموزش بویژه هنگامی که از زاویه توسعه و پیشرفت فردی و اجتماعی نگاه شود، عنصر اصلی ریشه گیری های اجتماعی محسوب می شود و در روند اجتماعی کردن مکمل یکدیگرند. توسعه و پیشرفت فردی و اجتماعی در واقع توسط مفاهیم بکار رفته در نهاد آموزشی (مدارس و دانشگاهی) حساسیت های پنهان و آشکار خود را در جامعه مشروط میسازند.

- یکی دیگر از دانشمندان تربیتی که پرورش اجتماعی شخصیت را مورد مطالعه قرار داده است ماکس وبر است و از نوشته های وبرتلویچا چنین بر میآید که او نسبت به آموزش و پرورش نگرشی توأم با بدبینی داشته است. که این بدبینی وی در باره ناممکن بودن آزادی اقتصادی و سیاسی مرتبط میگردد. زیرا به زعم وبر آموزش و پرورش و "پرورش اجتماعی شخصیت"^۳ روابط متقابلی با کنش های سیاسی و اقتصادی و نظام قشر بندی جامعه دارد.^۳ وبر به فراگردهای تاریخی مهم بمنظور رشد اجتماع و پیشرفت بشر بعمل میآید و نیز ... مقام مهم و روزافزونی

۲- نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران دوره جدید سال چهارم شماره ۷ - ۴ سال

در تنظیم سیاست های ملی و بین المللی احراز می کند.^۴ مهمترین خطری که آموزش و پرورش را تهدید می کند این است که مسئولان امر بویژه دست اندرکاران چنین میپندارند که جوانان و نوجوانان یک عده افرادی هستند که هر روز چند ساعتی در مکانی بنام مدرسه گردهم می آیند و هدف از این گردهم آئی ها آشنائی با بعضی از مهارتها و تجارب است. و یا اینکه موفقیت آموزش و پرورش را در ایجاد کنترل و رهبری تغییرات فرهنگی و اجتماعی میدانند در حالی که همواره نباید آنچه که هست یادارداکتفا نمود و از مسیر عادی و جاری خود خارج نشد. بلکه آینده نگری و سهم داشتن در تغییرات اجتماعی و فرهنگی آینده را نیز در نظر آورند. به همین منظور برای نخستین بار در تاریخ، تعلیم و تربیت آگاهانه دست در کار پرورش انسان برای انواع اجتماعاتی که هنوز بوجود نیآمده و شرایط خاص آینده را با شیوه های اجتماعی همراه با نظام آموزشی با وظیفه های کاملاً تازه تقبل نمایند. زیرا تغییر وظیفه وقتی روشن میگردد که ثبات جامع گذشته را با تحول سریعی دنیای معاصر مقایسه گردد، و بقول یاسپرز آلمانی که میگوید:

"ما به چنان ابعادی نیاز داریم که خود مبداء تاریخ تازه ای از - تاریخ انسان باشد" در این صورت است که مدارس مهمترین نقش خود را که عبارت است از راهنمایی افراد به ایجاد و تکمیل و توسعه و تغییرات فرهنگی است ایفا نماید و میتواند خود را به نام عامل حیاتی در زندگی افراد و جامعه مطرح نماید. از توجه آموزش و پرورش با ابعاد مختلف چنین مستفاد میشود که این نهاد عمده اجتماعی میتواند وسیله لازمی برای پیشرفت هر تحول در یک جامعه و بخصوص تحولی که در ششستون مختلف اجتماعی و سیاست زندگی جمعی را مستحکم نماید. بدین جهت است که مدارس را بعنوان یک مرکز فعالیتهای اجتماعی در مفهوم یک مرکز فعالیتهای اجتماعی در مفهوم یک نیاز و لازمه بقاء هر جامعه ای

قلمداد می کنند. جا دارد که در این مقال از نام ربرت یونگ استفاده گردد و از نزدیک به معتقدات او آشنا شویم. وی معتقد است که، "در آغاز قرن بیست و یکم انسان فردا دارای چنین ویژگی‌هایی است که انتظار میرود: اولاً دارای تحرک ذهنی و توانایی سازگاری در قبال دگرگونی‌های بسیار سریع امورعالم است. ثانیاً قدرت و قوه قضاوت مستقل، نیروی تخیل، یک دید جامع و قدرت پیش بینی است که او را برای مواجهه با بحران‌های زندگی فردی و اجتماعی در جامعه آینده آماده و شایسته میسازد. نهایت انسان دارای احساس تساهل و اغماض در قبال دیگران و میل همبستگی با همه نوع انسان است تا همزیستی مسالمت آمیزی بین همه افراد یک جامعه رو با افزایش عظیم مقسودور است. ۵

ضرورت توسعه فرهنگی و مدارس:

- از هنگامی که یونسکو به ویژه در دهه‌ی شصت بخش‌های مربوط به سیاست فرهنگی را براه انداخت و نشست‌های مرتبط با آن را بر گزار نمود هدفش این بود که دولت‌ها را وا دارد که به حوزه‌ی فرهنگ بیشتر توجه کنند و مقدار بیشتری از بودجه‌ی خود را وقف فرهنگ نمایند تا فرهنگ در دسترس همه‌ی مردمان قرار گیرد. این که فرهنگ به چه معنا بود و یا چه معنا، سخن دیگر است. بنابراین کارشناسان کشورهای مختلف که در نشست یونسکو شرکت میکردند تاکید بر برنامه‌های فرهنگی در کشورها نه تنها به غنی کردن زندگی فرهنگی مردمان هرکشور منتهی میشد بلکه میتوانست در ژرفتر ساختن تفاهم بین المللی نیز موثر افتد. دست اندرکاران معتقد بودند که دولتها باید تجلیات فرهنگ نو را در اختیار بیشترین تعداد ممکن شهروندان

۵- فلسفه آموزش و پرورش، علی‌اکبر، شعاری نژاد چاپ اول تهران سال ۱۳۶۸ صفحه ۱۷۹.

قرار دهند و به حفظ سنتهای نیکو به پردازند و از انحصار بازار و امکانات فرهنگی را در اختیار گروههای معینی جلوگیری نمایند.

کنفرانسهای جهانی و قاره‌ای که با شرکت وزیران فرهنگ کشورهای عضو یونسکو برگزار شد گوشه‌هایی از این فعالیت‌ها را می‌نمایاند و در سطح کارشناسی به پژوهش و بررسی بیشتر در باره مفهوم سیاست فرهنگی و هدف کلی آن یعنی توسعه فرهنگی میدان داد، که همزمان با مجموع عمومی سازمان ملل متحد دهه ۱۹۹۷ - ۱۹۸۸ را دهه جهانی توسعه فرهنگی اعلام کرد و تاکید تازه بر فعالیتهای فرهنگی خود گذاشت نخست باید این معنا را یادآور شد که در کلیه تعاریف موجود، توسعه یک مفهوم اقتصادی صرف نیست و تنها به پیشرفت صنعت و تکنولوژی و یا تغییر و افزایش نرخ رشد اقتصادی و افزایش درآمد ملی محدود نمیگردد. بلکه در بعد گسترده‌تری مسائل مربوط به فقر، نابرابری، بیکاری، توزیع درآمد ملی و شرایط بهینه زندگی و مناسبات فرهنگی و اجتماعی و... را نیز در بر دارد. دانشمندان گوناگون در باره تعاریف توسعه به جهات مختلفی اشاره نموده‌اند که نمونه آنرا ذیلا می‌بینیم.

لیکن تعاریف ذکر شده شاید چندان کامل و جامع نباشد. زیرا هر یک از دیدگاه خاص و زاویه ویژه‌ای به این امر مهم پرداخته و چه بسا از زوایا و ابعاد دیگر نارسائیهای وجود داشته باشد. علت اساسی نقایص موجود در تعاریفات این است که انسان را آنچنان که بایست شناخته و به همه نیازها و ضرورت‌های او و تمایلات و تقاضای او پاسخ مثبت نداده‌اند و حداکثر او را از چند زاویه محدود یک منطقه و یک کشور و یا یک ملت و قاره جهانی ارزیابی و بررسی نموده‌اند. نمونه این تعاریف - ها بقرار ذیل است :

- دیوید کوشمن کوبل در باره توسعه و تعریف آن چنین می‌گوید :

" توسعه تنها یادگرفتن چگونگی استفاده از رادیو، اتومبیل و چگونگی ساختن آنها طی زمان نیست، توسعه باتمامی جنبه‌های حیات ملی تماس

دارد. جنبه های سیاسی، اجتماعی و حتی مذهبی حیات ملی را در بر میگیرد.^۶

— مایکل تودارو در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم تعریف مشابهی دارد و اشاره می کند که: " توسعه صرفا پدیده هـای اقتصادی نیست. توسعه نهایتا باید علاوه بر جنبه های مادی و پولی زندگی مردم سایر جنبه های مورد نظر را در برگیرد. لذا باید بعنوان جریان چند بعدی که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت گیری مجموعه نظام اقتصادی و اجتماعی کشور است مورد توجه قرار گیرد.^۷ دریک جمع بندی کلی میتوان گفت، این دیدگاههای توسعه بدنبال فراهم کردن امکان دسترسی مردم به کالاهای اساسی، افزایش سطح زندگی مادی و فرهنگی و بالاخره گسترش دامنه اقتصادی و اجتماعی افراد در رهائی آنان از قید بردگی و وابستگی به افراد کشورها و عقاید است. در حالیکه گروههای دیگر بگونه های دیگر با شاخص های فراوان در این باره ذکر کرده اند که به تفصیل آنها در کتابهای مربوطه میشود ملاحظه نمود. و اما اینکه تعریف و مفهوم توسعه را از دیدگاه یک جامعه اسلامی در راستای رشد و تزايد وبالندگی مادی و معنوی آن مورد توجه قرار دهیم. هر مرحله آن مقدمه و زمینه ساز مرحله دیگر است. در نتیجه توسعه و مفاهیم آن به رشد و تحول عمیق و پایهای و بنیادین جامعه، بافتها و مناسبات و روابط فرهنگی و اجتماعی، فکر و اندیشه، بینش، و شخصیت انسانی و الهی انسانها و جوامع دیگر مربوط میشود. توجه به استعدادهای انسانی و عوامل مادی و طبیعی و به فضیلت رساندن ظرفیتهای و منابع با بهره برداری بهینه و مطلوب و استفاده از شرایط

۶- توسعه ملی ونحوه عمل آن، ترجمه آقای منوچهر شجاعی، جلد جدید، ص ۵.

۷- مایکل تودارو - توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی

فرجادی - مجموعه برنامه و توسعه شماره ۱۹.

مثبت و موثر داخلی در هر منطقه ، کشور و سرزمین پیوند ناگسستنی دارد . و جز با بکارگیری همه استعدادها و ظرفیت ها و امکانات استفاده از همه عوامل موثر و کارساز میسر نیست . بنابراین تکیه بر عوامل ، منابع ، استعدادها و امکانات داخلی هر جامعه و هر ملت از اهرمهای اساسی در راه رشد و ارتقاء مادی و معنوی و گسترش فرهنگ و اقتصاد و مفاهیم اجتماعی آن جامعه است . دقت نظر در آنچه مشروح افتاد مبین این مسئله است که آموزش و پرورش در انجام رسالت ساختن انسانهای اجتماعی باید انسانی تربیت کند که ضمن سازندگی بتواند در میان جامعه زندگی کند . در این صورت خواسته های اجتماعی از نظر اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و عاطفی از طریق آموزش و پرورش برآورده خواهد شد . بدین ترتیب هدفهای انسانی تعلیم و تربیت همچون مدارس پیشرفته جهانی پرورش انسان برای خود و اجتماع بر آورده می شود و این نقش اجتماعی آموزش و پرورش است بدین لحاظ اهمیت آموزش و پرورش که موجبات بینش فردی و جمعی را فراهم میکند روشن میسازد . نتیجه آنکه : فرد در سازندگی اجتماع خود دخیل است و در نابسامانیها و ایستائی آن نیز سهم خواهد بود . پرواضح است که افراد سرنوشت ساز خود و تاریخ آفرینان اجتماع خوبشوند و نهاد آموزش و پرورش (مدارس) عامل موثر در این راستا میباشد . بنابراین میتوان متذکر شد که مدارس یک نیاز اجتماعی است و بقای جوامع بر آن بستگی دارد . به معنی اعم خود یعنی هدف سازندگی ، ابعادی به خود میگرداند که به تمام فعالیت های اجتماعی مربوط می شود . در توسعه فرهنگی ، ضرورت و اهمیت این موضوع را از دیدگاه جامعه شناسی و جامعه شناسان آموزش و پرورش مورد توجه قرار میدهیم .

عدهای از جامعه شناسان براین باورند که تعلیم و تربیت وسیله ایست برای اجتماعی کردن نسل جوان و انتقال یک تمدن و گروهی دیگر اعتقاد بر این دارند که تعلیم و تربیت وسیله عملی است که نسل

بزرگ سال برای آماده کردن نسل خردسال به زندگی اجتماعی از آن استفاده می کنند و نهایتاً تعلیم و تربیت یک عامل اجتماعی است که کودک را به اجتماعی معلومی مرتبط میسازد.

ولی اغلب مشاهده میشود که نظام های آموزشی آگاهانه و یا نا آگاهانه از این رسالت خود بدور افتاده و مانند یک حامل قدرت در ایجاد یک رشته تغییرات فرمایشی اهتمام میورزند. بدین معنا که نظام های آموزش و پرورش غیرمستقیم طبقه اجتماعی را ملاک گزینش قرار میدهند، چون ضعف اجتماعی و اقتصادی طبقه خانوادگی که موجب کاهش ظرفیت کیفی فرهنگی را برای فرد بوجود میآورد در نتیجه زبان تفهیمی وظیفه سازمان های آموزشی در جامعه شناسی آموزش و پرورش مورد بررسی قرار میگیرد و از این راه یک نظام تربیتی که همیشه بتواند تغییرات اجتماعی را بنفع همگان ایجاد کند مورد توجه قرار میگیرد. اگر مدارس را بعنوان یک نهاد اجتماعی تلقی کنیم در هر نظام و هر اجتماعی در تعیین هدف های ایده لوژی آن دخالت دارد. بدین جهت مدارس موسسه های است که ایده لوژی ما را اشاعه می دهد. پس مدارس موقعی برای اجتماع مفید خواهد بود که از طریق نظام های جامعه ای نارسائی های اقتصادی و نابرابری های ناشی از موقعیت های تضعیف شده را جبران کند و مدارس دستگاه برآورد کننده هدف های گروه خاصی نباشد و در آن صورت است که مدارس از موازین عدالت اجتماعی برخوردار خواهد شد. توجه به نتیجه عملکرد برنامه ریزان و دست اندرکاران که با صرف هزینه های سنگین در مقام دگرگونی و تغییر نظام های آموزشی بر می آیند، از این رو روشن میشود که تجزیه و تحلیل علمی عناصر تشکیل دهنده آموزش عالی بهتر میتواند نارسائی ها را با منطبق نمودن برنامه ها با نیازهای جامعه و ضعف تجهیزات برنامه ریزی کاستی های مدارس را فراهم نماید.

باتوسعه و گسترش تمدن در جهان امروز، نیازهای انسانی

بیشتر آشکار میگردد و در نتیجه موجبات احتیاج جوامع رابه انسانهای آموزش دیده در سازمانها و موسسات مختلف، دامن می زند. برآوردن این هدف، ترویج و گسترش آموزش و پرورش و ایجاد مدارس موجب شده است، که نسبت سواد آموخته و حرفه و فن اندوخته گان را بیش از پیش در جوامع مختلف بطور نسبی بالا برد. نیاز به انسانهای تربیت یافته برای تصدی مقام ها و بکار اندازی چرخها و وسایل رفع کننده نیازها که روز بروز ازدیاد روی آوردن به آموزش و پرورش به ویژه در دنیای پویا از عواملی متاثر است که توسعه فرهنگی با تاثیرات متقابل میان آموزش و جامعه متجلی میگردد.

جمع بندی کلی :

— ضرورت بررسی نیازهای جامعه آینده برکسی پوششیده نیست . در جهانی که بسرعت رو به جلو میرود و پیشرفتهای دانش و فن نیاز به کوششها و استفاده از وسائل و روشهای جدید را در سازمانهای علمی و صنعتی و حتی زندگی خانوادگی ایجاب مینماید، باید همواره دانش آموزان طوری در مدارس تربیت شوند که در سنین بالاتر بتوانند از عهده پذیرش مسئولیتهای مربوط به جامعه خویش بر آیند و در رفع نیازهای زندگی، یک جامعه مترقی با استفاده از ثمره دانش و بهره تخصصی و نیروی کار و کوشش سهم موثری ایفا کنند. در منتهی نقش و عاملیت یک فرد بعنوان بشر و تاثیر فایده و دانش و هنر بصورتیهای فعالیت های اجتماعی مدارس برای همه مردم جهان یکسان باقی بماند. و اصولا اختراعات و اکتشافات و خلاصه همه پیشرفتهای علمی که در هر منطقه شی از جهان حاصل میشود متعلق به همه جوامع بشری است ، که در الگوی توسعه فرهنگی از تاثیرات متقابل میان آموزش و جامعه مطرح میگردد. از اینرو تربیت و تغییرات اجتماعی تاثیر متقابل دارند آموزش و پرورش در پیدایش افکار مربوط به تغییرات اجتماعی و اظهار آنها و

سپس بررسی و تحلیل روشها و وسایل لازم برای تفسیر هدفهای تربیتی به مقتضای تغییرات اجتماعی مسئولیت بس مهم را بعهدہ دارند ، و وظیفه آموزش و پرورش خصوصا در مدارس این است که حدود و عمق این مسئولیت را بررسی کند و مسئولیت اجتماعی فعالی را بدست آورد. موسسات تربیتی را در کشف و مطالعه نیروهای اجتماعـی و تشخیص بین گرایشهای سودمند و ناسودمند جامعه راهنمائی و یاری کند و ارزشهای سالم هماهنگ با تغییرات پیشرفته اجتماعی را که تربیت باید آنها را بوجود آورد روشن نماید (مدارس) . بنابراین تجدید نظر در فلسفه آموزش و پرورش همراه با تجدید حیات فرهنگی ضروری مینماید.

وقتی اقتصاد با آهنگی خاصی براه ترقی می افتد، طبعا مدارس نیز به نشر و اشاعه مقدار روزافزون معلومات بین تعداد روز، افزودن افراد گرایش می یابد، از این نظر تعلیم و تربیت و تحولات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی اثرات متقابل و نافذی را بر روی یکدیگر میگذارند. دریافتیم که قرن بیستم بیشترین تحولات و اصلاحات را در تاریخ تعلیم و تربیت بخصوص در مدارس بوجود آورده است . از میانگین بیسوادی کاسته شده و نظامهای جهانی در راه همگانی اجباری و رایگان کردن تعلیم و تربیت عمومی گام بر داشته و کوشیده اند تا مینبازهای جامعه و آموزش و پرورش ارتباط تنگاتنگ برقرار سازند.

منابع و مآخذ

الف - فارسی :

- ۱ - امین زاده ، فرخ ، جمعیت شناسی کار ، انتشارات دانشگاهی ، جلد دوم ، تهران سال ۱۳۵۸ .
- ۲ - درآمدی بر اقتصاد ، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ، تهران .
- ۳ - خزاعی ، احمد ، اشتغال در جهان سوم ، ترجمه ، تهران سال ۱۳۶۸ .
- ۴ - مهراز ، رحمت اله ، اصول برنامه ریزی آموزشی تهران سال ۱۳۵۳ .
- ۵ - بیونسکو ، آموختن برای زیستن ، ترجمه ، امیرکبیر ، سال ۱۳۵۴ تهران
- ۶ - فنون مهارتهای تدریس - دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تالیف سال ۱۳۶۶ .
- ۷ - توسعه ملی و نحوه عمل آن ، ترجمه آقای منوچهر شجاعی ، جلد جدید .
- ۸ - مایکل تودارو - توسعه اقتصادی در جهان سوم ، ترجمه غلامعلی فرجادی - مجموعه برنامه و توسعه شماره ۱۹ .
- ۹ - نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران دوره جدید ، سال چهارم شماره ۷ و ۴ سال ۱۳۷۰ .
- ۱۰ - عبادزاده ، مصطفی ، مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش ، چاپ اول تهران .
- ۱۱ - سازمان پژوهشهای علمی و برنامه ریزی آموزشی ، فصل نامه تعلیم و تربیت شماره های ۴ ، ۳ ، ۲ ، ۱ تهران سال ۱۳۶۲ .
- ۱۲ - فصل نامه علمی - پژوهشی داشکده علوم تربیتی ، سال چهارم تهران ، شماره های ۴ و ۱ سال ۱۳۷۰ .

ب - منابع خارجی :

- 1 - H.Gerth and .C.W.Mills, Fram max weber
Essays in sosyology New york , oxford.
university, Press 1946.
- 2 - Glisma ekononisi, sabahatin Zaim.
istanbul universites. sinci baski